

بهبودی روستایی زیربنای پایداری جمعیتی مناطق روستایی: مطالعه کیفی ابعاد روستای خوب (مطلوب) در شهرستان شبستر

ولی‌اله رستمعلی‌زاده*، حسین ایمانی جاجرمی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۳/۲۵

چکیده

این مطالعه در صدد شناخت تعریف زندگی خوب اجتماع روستایی در روستاهای شهرستان شبستر است. اینکه در جامعه روستایی مذکور، یک روستای خوب چه خصوصیتی دارد و مردم روستایی چگونه آن را تجربه و تعریف می‌کنند. بدین منظور داده‌های مربوط به مقاله حاضر به شیوه کیفی و با اتخاذ رویکرد نظریه بنیانی و با استفاده از فنون مصاحبه و بحث گروهی جمع‌آوری شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که از نظر مردم روستاهای مورد مطالعه، روستای خوب دارای اجتماعی سرزنده و سالم، اقتصادی پویا و کشاورزی پررونق، امکانات و خدماتی مناسب و جوابگوی نیازهای مردم و محیطی جذاب و دلپسند برای زندگی بوده است. یافته‌ها به طور صریح نشان می‌دهند که در آینده روستایی منطقه، تنها عاملی که می‌تواند باعث افزایش یا حداقل پایداری جمعیتی در روستاهای منطقه شود و ماندگاری جوانان را تثبیت نماید، ویژگی‌های اقتصادی و فراهم نمودن کسب و کار، افزایش اشتغال، درآمد و رونق کشاورزی است.

کلید واژه‌ها: بهزیستی، بهزیستی اجتماع روستایی، پایداری روستایی، روستای خوب.

*. استادیار جامعه‌شناسی توسعه، مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور.

vali.rostamalizadeh@psri.ac.ir

imanijajarmi@ut.ac.ir

** دانشیار جامعه‌شناسی توسعه، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

مقدمه

امروزه در نظریات جدید توسعه، چون توسعه پایدار و پساتوسعه، گرایش‌های چندی برای توجه به خواست‌ها و نیازهای مردمی و پایداری اجتماعات محلی به‌معنای اعم (حفظ سرمایه‌های اجتماعی، اقتصادی، مادی، فیزیکی، انسانی و جمعیتی) وجود دارد.

مروری کوتاه بر تاریخ توسعه نشان می‌دهد که توسعه امروزه از مفهومی تک‌ساحتی اقتصادی، مادی و عینی به مفهومی چندساحتی، ذهنی و نرم چرخش کرده و تغییراتی در مفهوم توسعه اتفاق افتاده است (ازکیا و ایمانی، ۱۳۸۷). شاخص‌های توسعه با عبور از اهداف مادی علاوه بر عناصر فردی و عینی، مؤلفه‌های اجتماعی و ذهنی را نیز دربر گرفته‌اند و شامل ابعاد جدیدی چون تأمین اجتماعی، جنبه‌های کیفی زندگی، رضایت و ... شده‌اند. با این توصیف‌ها هدف توسعه ارتقای مطلوبیت، رضایت خاطر ذی‌نفعان برنامه‌های توسعه‌ای و در نظر گرفتن خواست جمعیت هدف یا به بیان کلی، بهزیستی یا زندگی مطلوب است. یعنی «هدف توسعه آن نیست که اجناس بیشتری اعم از کالاها و خدمات تولید شوند، بلکه هدف آن است که قابلیت‌ها و توانایی‌های افراد به‌گونه‌ای رشد یابند تا زندگی انسان سرشار از خلاقیت و رضایت شود» (گریفین و مک‌کنلی، ۱۳۷۷: ۲۲). استگلitz^۱ (۱۳۸۲) پارادایم جدید توسعه را معطوف به تحول و توسعه اجتماعی می‌داند که ضمن گسترش افق‌های انتخاب و آزادی افراد، کاهش فقر و تخریب محیط زیست، افزایش بهداشت و طول عمر و به طور کلی ارتقای کیفیت زندگی را به همراه دارد (غفاری و امیدی، ۱۳۸۸: ۹۹-۹۸).

لذا در عصر جدید ما شاهد محورهای چرخش در حوزه توسعه هستیم؛ در یک سمت نظریه‌های توسعه از بینش جهان‌شمولی به سمت بینش‌های محلی و توسعه در ابعاد خرد حرکت می‌کنند. نمونه بارز این تغییرات حرکت از نظریه‌های نوسازی و رشد به توسعه پایدار و پساتوسعه است. در سمت دیگر سازمان‌های جهانی دخیل در توسعه در سنجش توسعه‌یافتگی کشورها بر عوامل جدیدی چون کیفیت زندگی، نیازهای انسانی و بهزیستی توجه دارند. نمونه بارز این تغییرات گزارش‌های توسعه انسانی ۲۰۱۱

1. Stiglitz

ملل متحد است که ابعاد جدید توسعه چون بهزیستی و پایداری جایگاه و وزنی سنگین یافته‌اند.^۱ در داخل کشورها نیز توجه به الگوهای بومی مورد توجه قرار می‌گیرد. در روش‌های تحقیق نیز توجه به مشارکت مردم و رویکردهای مشارکت‌مدار و کیفی مورد توجه است. در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های توسعه نیز توجه به خواست و مشارکت مردمی مطرح شده است. در چنین شرایطی است که حرکت از توسعه‌ای سخت به توسعه‌ای نرم رقم خورد و مفاهیمی مانند بهزیستی انسانی و کیفیت زندگی و مواردی از این قبیل در ادبیات توسعه مطرح شده‌اند. به طوری که فان انگل^۲ بر این عقیده است که پارادایم جامعه ما امروزه از پارادایم مبتنی بر پول به پارادایم مبتنی بر بهزیستی تغییر کرده است (فان انگل، ۲۰۱۰). این فضای به وجود آمده جهانی، بحث از بهزیستی را سهل نموده است.

در سلسله مراتب مسائل توسعه و در اینجا توسعه روستایی نیز، فهم از بهزیستی روستایی کلید برنامه‌ریزی بر اساس خواست‌های مردمان روستایی بوده و علاوه بر این نگهدارنده پایداری روستایی^۳ است. فهم بهزیستی، فهم خواست‌های مردمی و متعاقب آن تلاشی در جهت پایداری روستایی است. چرا که «تصمیم‌گیرندگان به وسیله فهم نیروهایی که در درون اجتماعات روستایی و حکومت‌ها عمل می‌کنند، بهتر می‌توانند کنش‌ها و سیاست‌هایی را توسعه دهند که باعث بهبودپذیری، زنده‌مانی و پایداری در این مناطق شود» (کورویسانوس، ۲۰۰۵).

اگر افراد در زندگی خود از بهزیستی برخوردار نباشند و بهزیستی اجتماع روستایی‌شان

۱. در گزارش توسعه انسانی ۲۰۱۱ با عنوان "پایداری و تساوی حقوق: آینده‌ای بهتر برای همه"، بخشی به طور مجزا برای بهزیستی قرار داده شده است. در این گزارش در تعریف معنای پایداری آمده است که، بسیاری از تعاریف توسعه پایدار دارای اصولی هستند که امکانات و تسهیلاتی را برای آیندگان در نظر می‌گیرند که این مسئله نباید مغایرتی با عدم تأمین امکانات برای نسل کنونی داشته باشد، لیکن معمولاً برای برآوردن توسعه انسانی پایدار کافی نیستند. این تعاریف اشاره‌ای به گسترش انتخاب‌ها، آزادی‌ها و قابلیت‌های ضروری و ذاتی برای توسعه انسانی نمی‌کنند. فعالیت آنها برخی از ابعاد بهزیستی را دربر نمی‌گیرد. توسعه انسانی، گسترش آزادی‌ها و قابلیت‌های مردم است که منجر به ارزشمند شدن زندگی آنها می‌شود (HDR, 2011: 17).

2. Van Engel

3. Rural Sustainability or Rural Stability

در حد پایینی باشد، حیات مطلوب اجتماعی‌شان برآورده نشده باشد و روستا یا اجتماع محلی‌شان از قابلیت زیست و سرزندگی و سلامتی برخوردار نباشد، این امکان وجود دارد که علاقه و تعلق به آن اجتماع روستایی کم‌رنگ‌تر شده و باعث ترک و عدم علاقه به مشارکت در آن اجتماع شود یا زندگی با کیفیت و رضایت‌مندی پایینی دنبال شود و پایداری روستایی را به مخاطره بیندازد (رستمعلی‌زاده و سلیمانی، ۱۳۹۰). امروزه اکثر روستاهای ایران با مسئله عدم پایداری مواجه هستند که از نتایج آن ترک روستاها، مهاجرت‌های بی‌رویه، تخلیه روستاها، عدم علاقه به زندگی روستایی و مواردی از این قبیل است که نیاز به یک بررسی از وضعیت بهزیستی و زندگی مطلوب در روستاهای ایران را آشکار می‌نماید (رستمعلی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲). با پذیرش اهمیت بهزیستی و زندگی خوب در این برهه خاص از تاریخ توسعه و در جامعه روستایی ایران، در بررسی حاضر، با به‌کارگیری رهیافت‌های جامعه‌شناختی و توسعه‌ای، در صدد شناخت تعریف زندگی خوب اجتماع روستایی در روستاهای شهرستان شبستر هستیم. یعنی می‌خواهیم بدانیم در جامعه روستایی ایران و به‌خصوص جامعه روستایی مذکور، یک روستای خوب چه خصوصیتی دارد و مردم روستایی چگونه آن را تجربه و تعریف می‌کنند. به‌خاطر برداشت‌های مختلفی که افراد با فرهنگ‌های مختلف می‌توانند از بهزیستی روستایی داشته باشند، کار کمی به نوعی تحمیل مفاهیم به جامعه روستایی است. به‌طوری‌که تیواری^۱ (۲۰۰۹) بر این عقیده است که مطالعات مختلف مشارکتی نشان داده‌اند که محیط، ارزش‌ها و فرهنگ در شکل دادن به درک دقیق از بهزیستی نقش دارند (تیواری، ۲۰۰۹: ۱۳۱). همچنین کولتارد و همکاران^۲ (۲۰۱۱: ۴۵۷) نشان داده‌اند که مجموعه‌ای از نیازها، آزادی‌ها و کیفیت شرایط زندگی که منجر به امکان بهزیستی می‌شود در محیط‌های مختلف جغرافیایی، اجتماعی و فرهنگی متفاوت است. بنابراین با وجود توجه به مفاهیم بهزیستی روستایی، با برداشتن یک گام به عقب، بهزیستی روستایی از نگاه مردم روستایی شهرستان شبستر مطالعه شده است.

1. Tiwari

2. Coulthard et al

ملاحظات نظری و پیشینه تحقیق

رمسی و اسمیت^۱ معتقدند که بهزیستی نظام‌های انسانی می‌تواند در مقیاس‌های متنوعی چون فردی و اجتماع محلی بررسی شود (رمسی و اسمیت، ۲۰۰۲). لذا ابتدا به تعریف بهزیستی در مقیاس فردی می‌پردازیم. مک گرگور^۲ استدلال می‌کند که بهزیستی به عنوان یک مفهوم فراگیر ناشی از ترکیبی است از آنچه که افراد دارند؛ هرآنچه که آنها می‌توانند با آنچه که دارند انجام دهند، و اینکه آنها در مورد آنچه که دارند و می‌توانند انجام دهند، چگونه فکر می‌کنند و احساس دارند (مک گرگور، ۲۰۰۷: ۳۱۷). این مفهوم شامل شرایط عینی افراد یعنی بهزیستی عینی، و درک ذهنی از موقعیت‌شان یعنی بهزیستی ذهنی می‌باشد (تیواری، ۲۰۰۹: ۱۲۹).

گاسپر^۳ بهزیستی عینی را به عنوان ویژگی‌های غیر احساسی زندگی یک فرد که در بیرون تأیید شده است و در نتیجه به عنوان یک هنجار تأیید شده تعریف می‌کند و بهزیستی ذهنی را به عنوان احساس یک فرد که بهزیستی‌اش در حال ارزیابی شدن می‌باشد تعریف می‌کند (گاسپر، ۲۰۰۷). کم‌فیلد^۴ مفهوم بهزیستی ذهنی را بیشتر توسعه می‌دهد و استدلال می‌کند که بهزیستی ذهنی را نباید صرفاً معادل با شادی در نظر گرفت، بلکه باید با جنبه‌هایی که مردم در زندگی خود برای آن ارزش قائل‌اند مرتبط دانست (کم‌فیلد، ۲۰۰۶).

با چنین برداشتی از بهزیستی اجتماعی، باید یک بعد رابطه‌ایی هم به آن اضافه کرد، بدین‌منظور ما باید راه‌هایی که در آن ابعاد عینی و ذهنی بهزیستی به صورت اجتماعی و فرهنگی ساخته شده‌اند را از طریق روابط در محیط‌های اجتماعی خاص در نظر داشته باشیم (مک گرگور، ۲۰۰۷). این نشان می‌دهد که فراتر از نیازهای اساسی انسان، نیازهای روانی و اجتماعی نیز وجود دارد که اگر انسان می‌خواهد به بهزیستی برسد باید برآورده شوند. با این حال، این نیازهای اجتماعی و روانی توسط ما با دیگران در جامعه ساخته می‌شوند. آنها با مفاهیمی هدایت می‌شوند که ما با آن زندگی خود را می‌گذرانیم و ما را قادر می‌سازند تا با دیگران در جامعه زندگی کنیم و معیارهایی برای ما فراهم می‌آورند که ما می‌توانیم بفهمیم که آیا ما

-
1. Ramsey and Smit
 2. McGregor
 3. Gasper
 4. Camfield

به خوبی زندگی می‌کنیم و همچنین بهزیستی دیگران را ارزیابی کنیم. این مفاهیم بخشی جدایی‌ناپذیر از احساس هویت ما می‌باشند و باید در مرکز هر روشی باشد که از بهزیستی انسان استفاده می‌کند تا با سیاست در تعامل باشد. بنابراین تعریفی که از بهزیستی انسانی در اینجا آورده شده است تعریفی ترکیبی می‌باشد یعنی از رویکردهای عینی، ذهنی و بین‌ذهنی برای درک بهزیستی انسان استفاده می‌شود. باید توجه شود که این تعاریف مشخص نمی‌کنند که بهزیستی در جوامع مختلف چه هست، بلکه چارچوبی را فراهم می‌کنند که نشان می‌دهد که مجموعه‌ای از نیازها، آزادی‌ها و کیفیت شرایط زندگی که منجر به امکان بهزیستی می‌شود احتمالاً در محیط‌های مختلف جغرافیایی، اجتماعی و فرهنگی متفاوت است. این چهارچوب کلی است اما محتوای محلی و بومی بهزیستی را تعیین نمی‌کند (کولتارد و همکاران، ۲۰۱۱: ۴۵۷).

گروه تحقیقاتی بهزیستی در کشورهای در حال توسعه^۱ یک چارچوب مفهومی و روش‌شناختی برای مطالعه بهزیستی توسعه داده است. این گروه بهزیستی را به عنوان «وضعیتی از بودن با دیگران، که در آن نیازهای انسانی برآورده شده، و در آن فرد می‌تواند عمل معنی‌داری برای پیگیری اهداف شخصی خود انجام دهد و همچنین فرد می‌تواند از کیفیت رضایت‌آمیز زندگی لذت ببرد». این تعریف رویکردی سه بعدی به ارزیابی پیامدهای بهزیستی انسانی دارد: (۱) بعد مادی این تعریف، تأکید بر منابعی دارد که افراد دارند و اینکه این منابع تا چه حد نیازهای فرد را برآورده می‌کنند؛ (۲) بعد رابطه‌ای، به روابط اجتماعی فرد می‌پردازد. اینکه تا چه حد روابط اجتماعی فرد را قادر می‌کند تا کنش معناداری در پیگیری آنچه که به عنوان بهزیستی می‌بیند، انجام دهد؛ و (۳) بعد شناختی، سطح رضایت افراد را از کیفیت زندگی‌ای که دارند به حساب می‌آورد. این تعریف شرایط عینی اشخاص را با ارزیابی ذهنی‌شان از این شرایط ترکیب می‌کند، در حالی که «وضعیتی از بودن با دیگران» تأکید بر بافت اجتماعی‌ای دارد که این مفاهیم شکل می‌گیرند (بریتون و کولتارد، ۲۰۱۳: ۲۹).

حال با تعریف بهزیستی فردی نیاز است که بهزیستی اجتماع روستایی هم تعریف شود. بهزیستی اجتماع روستایی هم مفهومی است که بهزیستی نظام‌های انسانی را در مقیاس اجتماع محلی (روستایی) مورد بحث و تحلیل قرار می‌دهد^۲. برای رسیدن به بهزیستی اجتماع

1. Wellbeing in Developing Countries (WeD)

۲. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به مقاله «زندگی مطلوب روستایی با تأکید بر بهزیستی اجتماع روستایی»، رستمعلی‌زاده و سلیمانی، ۱۳۹۰.

روستایی، نیازهای فرد باید در اجتماع روستایی برآورده شوند، افراد آزادی‌هایی را که برایشان ارزشمند است به دست آورند، یعنی جامعه بتواند توانمندی‌های آدمی را گسترش دهد تا افراد بتوانند آزادی انتخاب و هدایت زندگی ایده‌آل خود را داشته باشند. اجتماع روستایی همچنین باید بتواند شرایطی فراهم نماید تا افراد جامعه بتوانند کیفیت خوبی از زندگی را در آنجا تجربه کنند^۱. برای تجربه کردن کیفیت خوبی از زندگی، نیاز است که استانداردهای زندگی در مکان تغییر پیدا کند و ارتقا یابد. برای داشتن چنین شروطی از بهزیستی اجتماعی، تغییرات ساختاری نقش مهمی را ایفا می‌کنند. بدون تغییرات ساختاری در اجتماع محلی و تغییر در برآوردن نیازها، و افزایش توانمندی‌ها و آزادی‌های افراد، بهزیستی اجتماع محلی هم نمی‌تواند تغییر کند.

در چنین شرایطی، رفاه، شادکامی، زندگی خوب و در نهایت پایداری در مقیاس محلی معنی پیدا می‌کند. اجتماع محلی‌ای که در آن بهزیستی وجود دارد، شادکامی، زندگی خوب و رفاه در سطح بالاتری و در وسعت خوبی قرار دارند و وجود همه اینها با هم به پایداری اجتماع محلی منتهی می‌شود.

در بررسی بهزیستی روستایی هم ابعاد فردی تأثیرگذار بر بهزیستی، و هم ابعاد و شرایط اجتماعی و محیطی نیز باید مورد بررسی قرار می‌گیرند. در اینجا این نکته اهمیت دارد که هرچه شرایط روستایی از نظر امکانات، شرایط اقتصادی، اجتماعی، محیطی و ... مناسب باشد به همان اندازه نیز در بهزیستی روستایی تأثیرگذار خواهد بود. اجتماعی که سالم، سرزنده، قابل زیست و جذاب باشد دارای بهزیستی بالایی است و بالطبع پایداری روستایی نیز در سطح بالایی قرار خواهد داشت.

تاکنون مطالعات زیادی در زمینه بررسی بهزیستی و بهزیستی اجتماع محلی صورت گرفته است. به طوری که نارایان و همکاران (۱۳۹۰) در مطالعه «صدای فقرا، فریاد برای تغییر»^۲ به

۱. با برداشت از تعریف کولتارد و دیگران، ۲۰۱۱.

۲. این کار تحقیقی و کتاب، دومین مجلد از مجموعه سه جلدی «صدای فقرا» است. در این مجموعه سه جلدی، نقطه نظرات و تجارب زیسته و خواست‌های بیش از شصت هزار زن و مرد فقیر در شصت کشور گردآوری شده است. این کار برای گزارش توسعه جهانی در سال ۲۰۰۱/۲۰۰۰ با موضوع توسعه و فقر به انجام رسیده است. این کتاب نیز به عنوان دومین مجلد مجموعه، انعکاسی از صدای بیست هزار زن و مرد فقیر است که در بیست و سه کشور جهان در سال ۱۹۹۹ با روشی تطبیقی به انجام رسیده و در آن از شیوه‌های کیفی و مشارکتی برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است.

بررسی بهزیستی و زندگی خوب از دیدگاه زنان و مردان فقیر پرداخته‌اند. نخستین سوالی که محققین از زنان و مردان فقیر می‌پرسیدند؛ این بود که «آنها بهزیستی و زندگی خوب را چگونه تعریف می‌کنند و برداشت آنها از فقر و زندگی بد چگونه است؟».

نقطه‌نظرات این مردمان فقیر در ارتباط با یک زندگی با کیفیت بهتر دارای ابعاد چندی است که می‌توان آنها را در دسته‌هایی نظیر بهزیستی مادی، بهزیستی جسمانی، بهزیستی اجتماعی، امنیت و آزادی انتخاب و عمل طبقه‌بندی نمود. همه این موارد فوق به‌صورتی کاملاً فراگیر در شرایط ذهنی و جسمی^۱ عینی و در تجربه روان‌شناختی فرد از بهزیستی به هم پیوسته و نمود می‌یابند. در این پژوهش، بهزیستی و ابعاد آن از زبان مشارکت‌کنندگان چنین تعریف و بیان شده است: در سراسر قاره‌ها و کشورها و در بین جوامع و گروه‌های مختلف مردم، زندگی با کیفیت خوب بر نوعی از بهزیستی مادی دلالت دارد که اغلب به‌معنای بهره‌مندی در حد کفایت^۲ آبراز می‌شود. سلامت جسمانی بر قوی بودن، سرحال بودن و خوب به نظر رسیدن دلالت دارد. سلامت اجتماعی مشتمل بر مراقبت و تهیه مسکن برای فرزندان، برخورداری از عزت نفس، آرامش و وجود روابطی مناسب در خانواده و اجتماع است. برخورداری از امنیت، بر صلح و آرامش اجتماعی، محیطی امن و سالم، امنیت جانی، امید به آینده، آزادی انتخاب و عمل در کمک به هم‌نوعان دلالت دارد. با این وصف، ثروت و بهزیستی از نقطه نظر این مردمان فقیر با هم متفاوت بوده و گاه متناقض است. توصیف فقر نیز به مثابه پدیده‌ای چندبعدی و پیچیده است. تجارب فقر مشتمل بر مواردی از قبیل کمبود مادیات و نیاز به (غذا، مسکن، سرپناه، معیشت، دارایی و پول)، گرسنگی، درد، عذاب و نازاحتی، فقر زمان^۳، طرد، محرومیت، انزوا و تنهایی است. روابط نامناسب با دیگران مشتمل بر روابط نامناسب با خانواده، عدم امنیت، آسیب‌پذیری، ترس و دلهره (نگرانی) و عدم اعتماد به نفس و بی‌قدرتی، ناکامی و خشم می‌باشد (نارایان و دیگران، ۱۳۹۰: ۶۸-۶۷).

-
1. In states of mind as well as body of wellbeing
 2. Having enough
 3. Poverty of time

مور و همکاران^۱ (۱۹۹۸) نیز در تحقیقی با عنوان «آیا ما می‌دانیم آنها چه می‌خواهند؟ فهم پنداشت‌های محلی از فقر و ناخوش‌زیستی^۲ در آسیا»، به بررسی زمینه‌های درک نگرش‌های محلی از فقر و ناخوش‌زیستی در آسیا پرداخته‌اند. در این پژوهش به بررسی فقر از طریق مجموعه‌ای از پرسش‌های مستقیم پرداخته شده است که منجر به شناسایی تعدادی از شاخص‌های فقر شده که توسط خود فقرا مشخص شده است. چارچوب تحقیقی این کار بر روی: الف) تعاریف محلی از «فقر»، ب) علل فقر و چگونگی توضیح این علل، ج) عوامل حفظ و پیشبرد فقر، د) فرصت‌ها برای گریز از فقر و ذ) چگونه فقر را می‌توان کاهش داد، متمرکز بوده است. سایر سوالات این تحقیق بر جنبه‌های دیگر بهزیستی همچون: امنیت، آسیب‌پذیری و تأثیر بر معیشت متمرکز بوده است. عوامل کلیدی مرتبط با بهزیستی که در پژوهش حاضر یافت شده‌اند عبارت بودند از: ۱) مالکیت دارایی (زمین و سایر اموال)، ۲) امنیت درآمد و غذا، ۳) آموزش و پرورش، و ۴) برتری مردان در خانواده. علاوه بر اینها، دسترسی به خدمات عمومی و هماهنگی اجتماع محلی، مالکیت دارایی‌ها و امنیت درآمد هم به طور واضح در تعیین بهزیستی مؤثر بوده‌اند. دو دسته از شاخص‌های محرومیت نیز در این مطالعه شناسایی شدند که ماهیت چندبعدی بهزیستی مردم فقیر را بیشتر تأیید می‌کنند. اولین مجموعه شاخص‌ها در فقر مادی قرار گرفته‌اند، در حالی که علل مجموعه دوم، شرایط اجتماعی نامطلوب چون تبعیض، به ویژه به خاطر جنسیت، و اثر آنها در عزت نفس بوده است.

یونگ^۳ (۲۰۰۸) نیز در تحقیقی با عنوان «بررسی بهزیستی اجتماع محلی و پایداری در مقیاس محلی: کشف تفاوت‌ها میان ساکنان محلی، مقامات محلی و کارشناسان»، به شناسایی مجموعه‌ای از معیارهای مورد استفاده توسط مردم محلی منطقه تاگ هیل^۴ در ایالت نیویورک، برای ارزیابی اینکه آنها چگونه در مورد بهزیستی اجتماع محلی‌شان فکر می‌کنند، می‌پردازد. یعنی اینکه، بهزیستی اجتماع محلی خود را در چی و در چه شاخص‌هایی می‌دانند. یونگ در این تحقیق به این نتیجه رسیده است که مردم در هفت

-
1. Moore et al
 2. Ill-being
 3. Melissa A. Young
 4. Tug Hill

مقوله اصلی بهزیستی اجتماع محلی خود در نظر می‌گیرند: ۱) خصوصیت اجتماع محلی و زندگی اجتماعی، ۲) خدمات محلی، ۳) محیط زیست طبیعی، ۴) اقتصاد مبتنی بر زمین، ۵) پایه اصلی اقتصاد محلی، ۶) رشد و توسعه، و تغییرات اجتماع محلی، ۷) حکومت‌ها و اثرات برنامه‌ریزی بر اجتماع محلی.

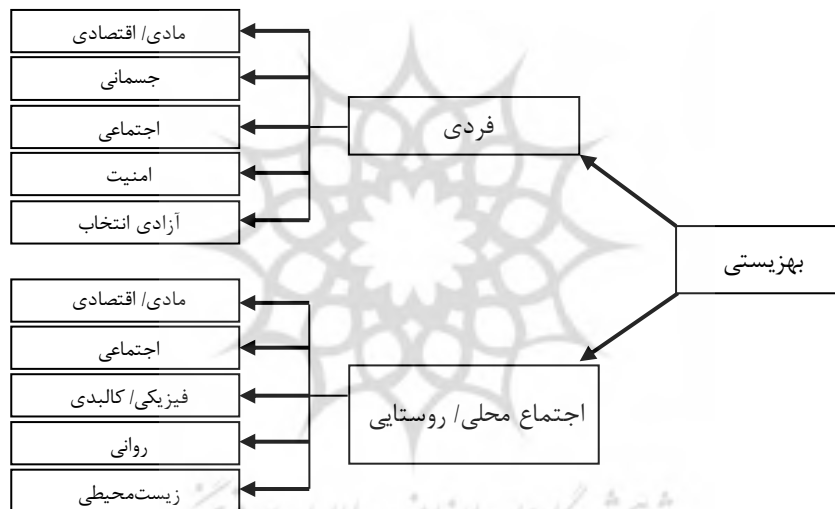
کاترین کیت^۱ (۱۹۹۹) هم در بخشی از تحقیق خود با عنوان «چشم‌اندازهای ساکنان روستایی به تغییرات، چالش‌ها و بهزیستی اجتماع محلی: یک مطالعه موردی اجتماعی-اکولوژیکی» به این موضوع می‌پردازد که ساکنان روچستر^۲ و آلبرتا^۳ «برای اجتماع محلی خود» و همچنین «از اجتماع محلی خود» چه چیزی می‌خواهند؟ تحقیق حاضر یک مطالعه موردی کیفی است. در این بخش از مصاحبه‌های گروهی ساختاریافته برای شنیدن دیدگاه‌ها و تجربیات ساکنان اجتماعات محلی مذکور بهره برده شده است. تجزیه و تحلیل محتوای موضوعی مصاحبات، ۱۹ مقوله از «پاسخ‌های دربرگیرنده چشم‌انداز» را آشکار کرده است. از این مقولات چهار مقوله مرکزی استخراج شده است: ۱) زندگی روستایی (زندگی کردن در روستا)^۴ یک کیفیت زندگی ایده‌آل فراهم می‌کند. ۲) فرصت کم برای تعامل اجتماعی در درون اجتماع محلی، انسجام اجتماع محلی را کاهش می‌دهد.

۳) سبک زندگی معاصر روستایی فرصت کمی برای ایجاد دل‌بستگی‌ها و تعلقات^۵ فراهم می‌آورد. ۴) صفات و نگرش‌ها و رفتارهای منفی، مانع کنش اجتماعی در اجتماع محلی می‌شود. نتیجه این بود که ساکنان روچستر برای اجتماع محلی خود، قابلیت زیست^۶ اجتماعی، اقتصادی و اکولوژیکی می‌خواستند و از اجتماع محلی خود، فرصت‌های روابط شخصی و تعامل و حق اظهار عقیده و نقش در آینده خود را خواستار بودند. در جامعه جهانی سریع غیر شخصی امروز، ساکنان اجتماعات محلی، یک اجتماع محله‌ای^۷ که پناهگاه‌شان باشد را

-
1. Diana Catherine Keith
 2. Rochester
 3. Alberta
 4. Rural living
 5. Build roots
 6. Viability
 7. Local community

می‌خواهند، جایی که برای آنها دارای اهمیت است، تفاوت ایجاد می‌کند و رونق دارد. این مطالعه همچنین اهمیت تعامل اجتماعی در اجتماع محلی، دلبستگی‌های اجتماع محلی، کیفیت زندگی و بهبودی اجتماع محلی و به‌علاوه نقش حیاتی‌ای را که بهبودی اجتماع محلی در کنش‌های جمعی بازی می‌کند را نشان داده است.

مطالعات انجام شده نشان می‌دهند که بهبودی در دو حوزه بهبودی فردی و اجتماع محلی / روستایی مورد مطالعه قرار گرفته است (نمودار شماره ۱). همچنین برای مطالعه بهبودی در حوزه فردی و اجتماع محلی باید آن را در ابعاد مختلف بهبودی مادی / اقتصادی، اجتماعی، جسمانی / فیزیکی، روانی و زیست محیطی مورد بررسی قرار داد.



نمودار ۱. مدل بررسی بهبودی و ابعاد مختلف آن

مهم‌ترین مؤلفه‌ها در بهبودی اجتماع محلی، رضایت از اجتماع محلی یعنی از کیفیت خدمات و امکانات، کیفیت اجتماعی اجتماع محلی (سلامتی اجتماعی)، کیفیت اقتصادی اجتماع محلی و رضایت از این ابعاد بوده است که به طور کلی زیر شاخصه‌های خصوصیات اجتماع محلی و زندگی اجتماعی می‌گنجد.

مؤلفه‌های مهم بهبودی فردی نیز رضایت از ابعاد مختلف زندگی چون مادی، جسمانی، اجتماعی، امنیت و آزادی انتخاب مطرح بوده است.

بنابراین می‌توان عنوان نمود «بهزیستی اجتماع روستایی» در این مورد بحث می‌کند که یک اجتماع محلی / یک روستا، با چه ویژگی‌ها، شرایط، مشخصات و ابعادی می‌تواند دارای سرزندگی^۱، قابلیت زیست و سلامتی برای ساکنانش باشد. در واقع داشتن چنین ابعاد و مشخصاتی ما را به سمت روستای خوب رهنمون می‌کند. با چنین برداشتی، روستایی که دارای بهزیستی بالا، قابلیت زیست و سلامتی باشد، روستای خوبی برای زیستن و محل خوبی برای زندگی است.

روش تحقیق و داده‌ها

این تحقیق با استفاده از رویکرد کیفی تحقیق انجام شده است. برای جمع‌آوری اطلاعات از فن مصاحبه عمیق و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده نیز از فرایندهای تحلیل روش تئوری بنیانی^۲ استفاده شده است.

در روش‌های کیفی و در جامعه روستایی، در غالب اوقات نمونه‌گیری به روش آسان شروع می‌شود و به صورت گلوله برفی ادامه می‌یابد و اکثراً به صورت نمونه‌گیری مبتنی بر هدف درمی‌آید (ادیب حاج باقری و دیگران، ۱۳۸۶: ۳۴).

در این مطالعه بعد از حدود ۲۴ مورد مصاحبه عمیق و ۳ مورد بحث گروهی با حدود ۴۱ مشارکت‌کننده که شامل مطلعین محلی، نخبگان و افراد جامعه مورد مطالعه بودند، تقریباً به اشباع نظری مورد نظر دست پیدا کردیم. ما در این تحقیق سعی کردیم که از قشرهای روستایی، زنان و مردان، جوانان، میان‌سالان، ریش سفیدان روستایی، افراد با تحصیلات بالا، مطلعین محلی و کسانی که در حوزه‌های مورد نظر ما اطلاعاتی دارند، استفاده کرده تا موضوع در کلیت و ابعاد مختلف آن به طور دقیق و موشکافانه مورد بررسی قرار گیرد. در این تحقیق عمده اطلاعات از دو روستای بنیس و زیناب جمع‌آوری شده است اما بر حسب نیاز، گریزی به روستاهای ملک‌زاده و درویش بقال زده شده است.

با توجه به روش تحلیل مورد استفاده، یعنی نظریه زمینه‌ای، کار مراجعه به میدان، انجام مصاحبه‌ها و تحلیل هم‌زمان آنها تا آخرین مراحل تحقیق و حتی در حین نوشتن این گزارش

1. Vitality

2. Grounded theory

به طور مداوم و مستمر ادامه داشت. پس از پیاده کردن همه مصاحبه‌ها و تهیه لیستی از داده‌های خام، عناصر اصلی تحقیق حاضر یعنی مفاهیم، مقوله‌ها و مقولات مرکزی استخراج گردید. مفاهیم، مقولات و مقوله‌های مرکزی به وسیله کدگذاری باز مشخص شدند. «مفاهیم، واحدهای اساسی تحلیل در تئوری بنیانی هستند که از «کدگذاری باز»^۱ داده‌های خام به دست می‌آیند. دومین عنصر نظریه بنیانی، مقوله‌ها هستند، مقوله‌ها در سطح بالاتر و تجربی‌تر از مفاهیمی هستند که نمایش می‌دهند. آنها نیز با همان فرایند تحلیلی که مفاهیم سطح پایین ایجاد شده‌اند یعنی از طریق انجام مقایسه‌ها برای روشن کردن شباهت‌ها و اختلاف‌ها، ساخته می‌شوند» (استراوس و کوربین، ۱۳۹۰: ۱۴۶). انتزاع در ساخت مقولات مرکزی تحقیق حاضر از داده‌ها به صورت زیر بوده است:

داده‌های خام ← تکه داده‌ها ← مفاهیم ← مقوله‌ها ← مقولات مرکزی

همان طور که قبلاً گفتیم اولین مرحله تجزیه و تحلیل داده‌ها در نظریه بنیانی، «کدگذاری باز» است. این مرحله هم زمان با شروع مصاحبه‌ها آغاز می‌شود و فرایند مفهوم‌سازی از مصاحبه‌ها (داده‌های مصاحبه‌ها) است. «کدگذاری باز قصد دارد تا داده‌ها و پدیده‌ها را در قالب مفاهیم دریاورد» (فلیک، ۱۳۸۷: ۳۳۰). در کدگذاری باز، مصاحبه‌های پیاده شده، به دقت واری و تحلیل خط به خط، جمله به جمله، پاراگراف به پاراگراف شده و در پاره‌ای موارد تحلیل کل سند صورت می‌گیرد.

در این مطالعه بعد از پیاده نمودن مصاحبه‌ها و نوشتن آنها، مفاهیم مستخرج از خطوط، جملات، پاراگراف‌ها و ... در مقابل آنها نوشته شد. «مهمترین هدف هم عبارت است از خردکردن و فهم متن و پیوند اجزاء به دست آمده با یکدیگر و تدوین مقوله‌ها و منظم کردنشان بر اساس روند زمانی است» (فلیک، ۱۳۸۷: ۳۳۳).

برای نام‌گذاری مفاهیم و مقولات نیز سعی شد که در حد امکان از کدهای زنده، یا مفاهیم بر ساخت اجتماعی و یا نام‌گذاری از سوی محقق استفاده شود ولی بیشترین سعی ما استفاده از کدهای زنده یعنی مفاهیم به کار رفته مشارکت‌کنندگان بوده است.

1. Open Coding

جدول ۱. نمونه‌ای از داده‌های اولیه و مفاهیم و مقولات مستخرج

ردیف	داده‌های اولیه یا خام برگرفته از مصاحبه‌ها (تکه داده‌ها)	مفاهیم مستخرج	مقولات مستخرج	مقوله مرکزی
۱	جایی که دارای کشاورزی، دامداری، دام و گوسفند، دارای کشت و کار و ... باشد، روستای خوبی است.	وجود کشاورزی و دامداری	رونق کشاورزی	
۲	هر روستایی که دارای درآمدی جزئی باشد ... روستای خوبی برای زندگی خواهد بود.	وجود درآمد		
۳	از نظر اقتصادی، درآمد فرد مناسب باشد و راحت تر بتواند امرار معاش کند و همچنین از نظر مالی دغدغه خاطر نداشته باشد.	وجود درآمد / نداشتن دغدغه مالی		
۴	از نظر اشتغال‌زایی مشکلی نداشته و اشتغال مناسبی داشته باشد و فرد بتواند در آنجا کسب و کار نماید.	وجود شغل / اشتغال‌زایی		
۵	روستایی که در آن کشاورزی رونق داشته باشد، روستای بهتری است و هم فعالیت و هم اشتغال در آن مناسب خواهد بود. چنین روستایی روشنایی دارد.	رونق کشاورزی	رونق کشاورزی	توسعه / رونق اقتصاد محلی
۶	باید در روستا کارخانجاتی ایجاد کنند، تا جوانان روستا که در تهران یا در جاهای دیگر کار می‌کنند و یا بیکار هستند، در اینجا مشغول به کار شوند. راهی برای درآمد باز شود و کشاورزی رونق پیدا کند.	احداث کارخانجات / اشتغال‌زایی / وجود درآمد	رونق اقتصادی / رونق کشاورزی	
۷	اگر اینجا رونق اقتصادی پیدا کند، از نظر اجتماعی هم پرشورتر می‌شود. اگر جمعیت روستا زیاد شود کسب و کار هم بهتر می‌شود.	رونق اقتصادی / سرزندگی اجتماعی	رونق اقتصادی	

در حین ساخت مفاهیم، مقولات هم کم‌کم از دل مفاهیم زاده می‌شوند. چرا که مفاهیم مستخرج از مصاحبه‌ها کم‌کم در ارتباط با هم قرار گرفته و مفاهیم نزدیک به هم تبدیل مقولات را می‌دهند. «مقوله‌ها شامل مسائل، دل‌نگرانی‌ها و اموری‌اند که برای کسانی که مطالعه می‌شوند، مهم‌اند» (استروس و کربین، ۱۳۹۱: ۱۳۶). بنابراین با رو به افزایش گذاشتن مفاهیم،

باید کار دسته‌بندی آنها را آغاز کرده و هر دسته را زیر اصطلاحات انتزاعی‌تر، یعنی مقوله‌ها بگذارد (همان: ۱۳۶).

یافته‌ها

هدف این مقاله فهم بهزیستی روستایی از نظرگاه مردم بوده است. اینکه روستای خوب چیست و دارای چه شرایطی است؟ اینکه چه عواملی باید باشد تا یک روستا، مکان خوبی برای زندگی باشد، و در نهایت اینکه مردم برای بهزیستی روستای خود چه چیزهایی را در نظر می‌گیرند.

برای فهم روستای خوب، با تحلیل سطر به سطر، جمله به جمله و پاراگراف به پاراگراف و غیره مصاحبه‌ها، عمل کدگذاری باز یا مفهوم‌سازی را انجام داده و بعد از آن از مفاهیم، مقولات فرعی و سپس مقولات اصلی را ساختیم. بر اساس آنچه که از تحلیل‌ها به دست می‌آید مقولات بهزیستی روستایی شامل موارد ذیل بودند:

امنیت، داشتن آب کافی، جمعیت زیاد (مناسب)، ماندگاری و حفظ جوانان، وجود کسب و کار و اشتغال در روستا، عدم وجود نزاع‌های جمعی و طایفه‌ای (یک‌دستی روستا)، وجود حمایت و پشتیبانی متقابل (همکاری و اتحاد)، وجود مشارکت، وجود تعاملات اجتماعی متقابل و روابط اجتماعی گرم در میان مردم، وجود خدمات و امکانات، امکانات بهداشتی و درمانی، امکانات رفاهی، وجود فضاهای تفریحی و گذران اوقات فراغت، وجود فضاها و امکانات و وسایل ورزشی، وجود امکانات تحصیلی، آب و هوای روستا، آرامش روستا، آسایش روستا، دسترسی به خدمات و امکانات، دسترسی آسان به امکانات ایجاد کسب و کار، سهولت تهیه مسکن، تمیزی و نظافت روستا، زیبایی محیطی روستا، رونق کشاورزی (سرزندگی اقتصادی)، وجود منابع درآمدی و درآمد، مدیران خوب و تعلق خاطر به روستا.

این مقولات در ذیل شش حوزه یا مقولات محوری قرار گرفتند که عوامل تعیین‌کننده بهزیستی روستایی در روستاهای مورد مطالعه بودند. این شش حوزه عبارت‌اند از:

- ۱- سلامتی تعاملات انسانی
- ۲- خدمات زیربنایی
- ۳- سهولت دسترسی‌ها (به خدمات عمومی و امکان‌های زندگی)

۴- ویژگی‌های طبیعی و محیطی روستا

۵- توسعه/ رونق اقتصاد محلی

۶- سرزندگی اجتماعی/ جمعیتی روستا

جدول ۲. مقولات جزء و عمده تشکیل‌دهنده ابعاد روستای خوب از نظر روستاییان

ردیف	حوزه مفاهیم	مقولات جزء	مقولات (حوزه) عمده ادغام شده
۱	سلامت اجتماعی / ویژگی‌ها و خصوصیات اجتماعی	امنیت، عدم وجود نزاع‌های جمعی و طایفه‌ای (یک‌دستی روستا)، مدیران خوب، تعلق خاطر به روستا، وجود حمایت و پشتیبانی متقابل (همکاری و اتحاد)، وجود مشارکت، وجود تعاملات اجتماعی متقابل و روابط اجتماعی گرم در میان مردم.	سلامتی تعاملات انسانی
۲	امکاناتی	امکانات بهداشتی و درمانی، امکانات رفاهی، وجود فضاهای تفریحی و گذران اوقات فراغت، وجود فضاهای، امکانات و وسایل ورزشی، وجود امکانات تحصیلی.	خدمات زیربنایی
۳	امکاناتی	دسترسی به خدمات و امکانات، دسترسی آسان به امکانات ایجاد کسب و کار، سهولت تهیه مسکن	سهولت دسترسی‌ها (به خدمات عمومی و امکان‌های زندگی)
۴	کالبدی، محیطی و زیست‌محیطی	تمیزی و نظافت روستا، زیبایی محیطی روستا و رسیدگی به معابر و ظاهر روستا، آب و هوای خوب، عدم شلوغی و ترافیک، آرامش و زندگی در سکوت، آسایش روستا	ویژگی‌های طبیعی و محیطی روستا
۵	اقتصادی	رونق کشاورزی، اشتغال، درآمد، کار و شغل برای جوانان، وجود صنوف خدماتی، وجود کسب و کار، ایجاد کارخانجات، سرمایه‌گذاری در زادگاه	توسعه/ رونق اقتصاد محلی
۶	اجتماعی - جمعیتی ماندگاری جوانان، وجود جمعیت مناسب		سرزندگی جمعیتی/ اجتماعی روستا

تعریف بهزیستی روستایی

مردم روستاهای مورد مطالعه روستای خوب را در ترکیبی از ابعاد اجتماعی، اقتصادی، امکاناتی و محیطی می‌دیدند، به طوری که روستای خوب دارای اجتماعی سرزنده و سالم، اقتصادی پویا، امکانات و خدماتی مناسب و جوابگوی نیازهای مردم و محیطی جذاب و دلپسند برای زندگی بوده است. با عنایت به این ابعاد، روستای خوب را چنین می‌توان تعریف

نمود: «روستای خوب روستایی است که دارای اجتماعی سرزنده و تعاملاتی سالم، مردمی هماهنگ و پشتیبان هم، مشارکت‌مدار، دارای کشاورزی پررونق، جمعیت زیاد (مناسب)،^۱ دارای امکانات و خدمات مورد نیاز و دردسترس، محیط طبیعی آرام و فضایی دلپذیر و چشم‌نواز، اقتصاد پررونق و شکوفا، دارای ماندگاری جوانان، مدیرانی خوب و مواردی از این قبیل است که در نهایت به احساس رضایت، رفاه، شادمانی، تعلق و دل‌بستگی و کیفیت بهتر زندگی در اجتماع محلی می‌انجامد». در زیر به تعدادی از تعاریف روستای خوب از دید مردم اشاره شده است.

«جایی که کشاورزی، دامداری، آب و درآمد خوب و جمعیت زیاد داشته باشد، روستای خوبی است».

«از نظر اقتصادی، درآمد فرد مناسب باشد و راحت‌تر بتواند امرار معاش کند یا از لحاظ مالی دغدغه خاطر نداشته و در مناطقی زندگی کند که آب و هوا به نسبت بهتر باشد. آرامش زندگی، رفاه و دسترسی آسان به خدمات داشته باشد. در این روستا، محیط کوچک بوده و مناسبات و روابط اجتماعی قوی‌تر است و مانند شهرهای بزرگ نیست که همسایه از همسایه خود شناخت نداشته باشد. در اینجا همه از همدیگر شناخت داشته و اگر برای کسی مشکلی پیش بیاید به راحتی می‌تواند از دیگران کمک بگیرد».

«روستای خوب می‌بایست از نظر فرهنگی، ورزشی و آسایش تأمین باشد و جوانان بتوانند در آنجا سرگرم شوند، مسکن برای همه فراهم و از نظر اشتغال‌زایی مشکلی نداشته باشد».

«اولویت اول روستاییان کشاورزی و آب است. بعد از آن هم داشتن جمعیت مناسب است. اگر مردم روستا دارای درآمد کافی، امکانات مناسب و روابط اجتماعی خوب باشند و در آسایش زندگی کنند هیچ فردی مهاجرت نمی‌کند و چنین روستایی مکان مناسبی برای زندگی کردن است».

«من فقط این را در یکی بودن جماعت، در هم‌بستگی جماعت و در محبت می‌بینم. در هر کجایی که محبت وجود داشته باشد، آنجا جای خوبی برای زندگی کردن است. روستای خوب، آنجایی است که همه برای هم، پشتیبان و حامی باشند. وگرنه خیلی از روستاها وجود

۱. تعریف جمعیت مناسب/ زیاد در حوزه سرزندگی اجتماعی/ جمعیتی از دیدگاه مردم آمده است.

دارند که در آن مردم با هم دعوی طایفه‌ای و درگیری دارند و در پاسگاه‌ها، دادگاه‌ها و یا در زندان‌ها هستند. اما الحمدلله چنین چیزهایی در اینجا وجود ندارد. در هر کجایی که صداقت وجود داشته باشد آنجا جای خوبی است. صداقت، محبت، یکی بودن. اگر محبت باشد همه چیز است، آسایش هم هست. امنیت و همه چیز در محبت است».

۱) حوزه سلامتی تعاملات انسانی

یکی از مهمترین ابعاد بهزیستی روستایی در منطقه مورد مطالعه، حوزه «ویژگی‌ها و خصوصیات اجتماعی روستا» بوده است، که می‌توان از آن تعبیر به «سلامتی تعاملات انسانی» در روستا کرد. روستا به عنوان یک اجتماع محلی قبل از هر چیز دارای یک نظام اجتماعی و فرهنگی ویژه‌ای است و در واقع فرق اساسی جامعه‌شناختی، بین شهر و روستا، ناشناختگی در شهر یا روابط رسمی در جامعه در مقابل شناخت متقابل، روابط گرم و سلامتی تعاملات اجتماعی و انسانی در اجتماع یا همان روستا است. این حوزه یکی از مهم‌ترین حوزه‌های تعلق، رضایت و بهزیستی روستایی، در اجتماعات روستایی منطقه مورد مطالعه بوده است و مردم روستایی برای تعریف بنیادهای اصلی یک روستای خوب، عنایت فراوانی به این حوزه دارند. لذا وجود روابط گرم در میان مردم، همکاری و مشارکت در فعالیت‌های جمعی و عام‌المنفعه، وجود اتحاد، محبت و صمیمیت در میان مردم، از ویژگی‌های مهم بهزیستی اجتماع روستایی بوده است.

«در روستای ما همه همدیگر را می‌شناسند و با هم اتحاد داشته و پشتوانه هم هستند».

در این حوزه، مقولات: امنیت، یک‌دستی روستا (عدم وجود نزاع‌های جمعی و طایفه‌ای)، تعامل و ارتباطات متقابل اجتماعی حمایتی (همکاری و اتحاد) در میان مردم، مشارکت در اجتماع، وجود تعاملات اجتماعی متقابل و روابط اجتماعی گرم در میان مردم، وجود مدیران و دست‌اندرکاران خوب محلی و تعلق به روستا، قرار دارند.

بسیاری از افراد به طور صریح شناخت متقابل و داشتن دوستان و آشنایان را در روستا و سپری کردن وقت‌های فراغت خود با آنان را از ویژگی‌هایی عنوان می‌کردند که آنها را راغب به زندگی در روستا می‌کرد و احساس رضایت برای زندگی در روستا و شادمانی را برای آنان فراهم می‌کرد.

امنیت، یکی از مهمترین مسائلی بوده که در حوزه ویژگی‌ها و خصوصیات اجتماعی روستا برای بهزیستی روستا مد نظر مردم بود. مردم بر این عقیده بودند که امنیت با خود آرامش زندگی در روستا را به همراه دارد.

«مردم چون همدیگر را می‌شناسند روابطشان با هم خوب است وقتی در کوچه و خیابان همدیگر را می‌بینند همچون خواهر و برادر با هم برخورد می‌کنند».

«آرامش این روستا خوب است، به‌ندرت روستایی پیدا می‌شود که دزدی نداشته باشد، اینجا افراد به‌ندرت با هم درگیر می‌شوند، یعنی هر کس سرش مشغول کار خودش است».

«مردم در کارهای عمومی روستا با هم همکاری کرده و در کارهای عام‌المنفعه همه احساس مسئولیت می‌کنند. حتی اگر حالت منفی هم داشته باشد باز، همکاری کرده و احساس مسئولیت می‌کنند چون در هر صورت به خاطر این روستا و به خاطر مردم است. مردم واقعاً (در کارهای عام‌المنفعه) تلاش می‌کنند. و لذا «اگر همکاری و همیاری در یک روستایی وجود داشته باشد آنجا جای خوبی برای زندگی کردن است و روستای خوبی است».

در نهایت اینکه، آن چیزی که در این حوزه اهمیت محوری دارد، تعاملات انسانی است. تعاملات انسانی و سلامتی این تعاملات هم باعث آرامش روحی و روانی افراد شده و در آنها ایجاد امنیت می‌کند، هم افراد را راغب به ماندگاری در روستا کرده و علاوه بر این باعث مشارکت در فعالیت‌های جمعی شده و به نوعی احساس مسئولیت در مقابل دیگران و اجتماع را ایجاد می‌کند.

۲) حوزه خدمات زیربنایی

تقریباً مهم‌ترین عامل در بهزیستی روستایی در جامعه مورد مطالعه، امکانات و خدمات بوده است دلیل این امر نیز در اشاره اکثریت قریب به اتفاق مشارکت‌کنندگان تحقیق، به امر خدمات زیربنایی بوده است. خدمات زیربنایی شاید تعریف بسیط و گسترده‌ای، آن هم در یک فضای روستایی داشته باشد ولی آن چیزی که مردم جامعه مورد مطالعه در باب خدمات زیربنایی برای بهزیستی روستایی خود مد نظر داشتند؛ شامل: امکانات بهداشتی و درمانی، وجود فضاهای تفریحی و گذران اوقات فراغت، وجود فضاها و امکانات و وسایل ورزشی، امکانات تحصیلی و آموزشی، امکانات رفاهی زندگانی و خدمات صنفی، و امکانات ایجاد کسب و کار و شغل، بوده است که در کل می‌توان از آن به عنوان خدمات عمومی در روستا نام برد. «زندگی خوب آن است که روستا همه چیز و همه امکانات را داشته باشد».

این مقولات ذکر شده، مهم‌ترین مقولاتی بود که مردم جامعه مورد مطالعه در حوزه خدمات زیربنایی مد نظر داشتند؛ با این حال، به دلیل فراهم بودن بیشتر امکانات رفاهی در

روستاهای مورد مطالعه، توجه مردم بیشتر معطوف به وجود فضاهای تفریحی و گذران اوقات فراغت، وجود فضاها و امکانات و وسایل ورزشی و خدمات صنفی بوده است.

«در حال حاضر روستای ما از لحاظ امکانات از همه چیز برخوردار است. بیمارستان داریم، مدارس از ابتدایی گرفته تا دبیرستان و دانشگاه هم داریم. الان فقط ورزشگاه نداریم که آن را هم در شبستر اجاره می‌کنند و بچه‌ها برای ورزش به آنجا می‌روند. الان فقط قصابی، آرایشگاه و حمام عمومی نداریم».

«ایجاد فضاهای تفریحی باعث می‌شود که مردم بتوانند اوقات فراغت خود را در آنجا بگذرانند، تا افراد به جاهای دیگر نروند. حتی می‌توان به جذب توریست پرداخت. اگر بتوان به جلب توریست پرداخت، این امر باعث می‌شود که اقتصاد روستا رونق بگیرد».

مردم بر این عقیده بودند که خدمات زیربنایی راه را برای آسایش زندگی در روستا هموار می‌کند. لذا از چشم‌انداز آنان، «آسایش داشتن در روستا» یکی از مهمترین عواملی است که باعث بهزیستی روستایی می‌شود و از شرایط اصلی روستای خوب بوده است. باید اشاره کرد که از دیدگاه مردم، آسایش هم زمانی وجود دارد که خدمات و امکانات در روستا «به حد مطلوب و کفایت» فراهم باشد؛ البته تمام شرایط آسایش داشتن در روستا به فراهم بودن خدمات و امکانات نیست و به شرایط دیگری نیز نیاز است که در ادامه راجع به آن بحث خواهد شد.

۳) حوزه سهولت دسترسی‌ها (به خدمات عمومی و امکان‌های زندگی)

شاید می‌شد این حوزه را به صورت تلفیقی و با حوزه خدمات زیربنایی روستایی آورد اما مراد ما از این حوزه، دارا بودن خدمات و امکانات نیست، برخی مواقع مردم می‌پذیرند که وجود برخی از امکانات و خدمات در روستا شدنی نیست و چنین خواستی هم ندارند اما سهولت دسترسی‌ها مورد خواست مردم برای بهزیستی روستایی است. در این حوزه وجود وسایل نقلیه منظم و امکانات رفت و آمد به همراه در دسترس بودن امکانات زندگی، یکی از شرایط اساسی است. به نحوی می‌توان گفت زمانی که از لحاظ منطقی و عقلانی برای مردم فرض وجود امکانات و خدماتی در روستا وجود ندارد، در چنین موقعیتی سهولت‌های دسترسی وارد میدان می‌شود. در حوزه سهولت دسترسی‌ها مؤلفه‌هایی چون دسترسی به خدمات و امکانات، دسترسی یا سهولت تهیه مسکن، دسترسی آسان به امکانات ایجاد کسب‌وکار و دسترسی به صنوف خدماتی قرار دارند.

«در این روستا عده‌ای در مضیقه هستند. تعدادی منزل مسکونی و درآمد کافی ندارند و نمی‌توانند مخارج ماهانه خود را تأمین کنند. اگر از نظر مسکن و آسایش تأمین باشند اینجا زندگی مناسبی خواهند داشت».

«ما برای خرید چند کیلو گوشت مرغ مجبوریم به شبستر برویم و کلی هزینه از نظر زمانی و مادی پرداخت کنیم. قبلاً در اینجا مینی‌بوس مسیری از روستا به شهر داشت و نیاز به آژانس نبود. اکنون به علت نبودن مینی‌بوس، مردم روستا از آژانس استفاده می‌کنند و این تعداد تاکسی کفاف نمی‌کند. هر روز از شبستر ۱۰۰ تا ۲۰۰ تاکسی آژانس به اینجا می‌آید».

«تا حدودی از نظر مسکن مشکلاتی وجود دارد. دو سه روز پیش، جوانی را دیدم که بار و بنه‌اش را بسته بود و به شبستر مهاجرت می‌کرد. پرسیدم چرا مهاجرت می‌کنی؟ جواب داد: جایی برای سکونت ندارم و مجبورم. لاقلاً در شبستر می‌توان آپارتمانی پیدا کرد. وی به سهولت توانسته بود که در شبستر مسکن تهیه کند. بنابراین در حال حاضر جوانان دارای مشکل مسکن بوده و از نظر اقتصادی در مضیقه هستند».

۴) حوزه ویژگی‌های طبیعی و محیطی روستا

انسان در محیط‌های روستایی به‌نحو بسیار نزدیکی با طبیعت عجین است. این نزدیکی باعث می‌شود که طبیعت و محیط زیست جزء ویژگی‌های جدایی‌ناپذیر زندگی روستایی باشد. طبیعت و محیط زیست هم در فراهم نمودن امکان‌های معیشت فرد در روستا که خود را در کشاورزی و دامداری متبلور می‌کند اهمیت دارد و هم در ایجاد فضای زیست مطلوب و احساس رضایت از محل زندگی تأثیر به‌سزایی دارد. محیط‌های روستایی توأم با آب و هوای مناسب، زمین‌های مطلوب، آرامش و ...، بهزیستی و پایداری روستایی را هم از چشم‌انداز معیشت و هم از چشم‌انداز زیستی ارتقا می‌دهند. عوامل مهم در بهزیستی روستایی در حوزه ویژگی‌های طبیعی و محیطی روستا از نظر جامعه‌مورد مطالعه شامل: آب و هوای خوب، آرامش و سکوت روستا، زیبایی محیطی روستا، تمیزی و نظافت روستا و مهم‌تر از همه داشتن آب کافی برای کشاورزی بوده است.

با توجه به اینکه اکثر روستاهای شهرستان شبستر دچار کم‌آبی هستند، داشتن آب کافی برای کشاورزی یکی از مهم‌ترین عوامل بهزیستی روستایی در حوزه ویژگی‌های طبیعی و محیطی روستا بوده است.

«وضعیت روستای ما از نظر بهداشتی مطلوب است. در حوزه تمیزی روستا و آسفالته‌ها معابر، وضعیت بهتر شده است. درمانگاه روستا به طور مرتب کار می‌کند و در طول هفته، سه چهار روز دکتر حضور دارد».

«کسانی که در تهران زندگی می‌کنند و صاحب سرمایه هستند بر این عقیده‌اند که زندگی باید در محیط کوچک جریان داشته باشد و روستای بنیس نیز چون محیط کوچک و آرامی است، به ما آرامش می‌دهد ولی زندگی در تهران توأم با شلوغی و ترافیک است. این روستا آب و هوای خیلی خوبی دارد و این به ما آرامش می‌دهد».

۵) حوزه توسعه / رونق اقتصاد محلی

حوزه توسعه / رونق اقتصاد محلی روستا شاید نه در روستاهای مورد مطالعه ما، بلکه در اکثر روستاها یکی از ارکان بهزیستی و پایداری روستایی باشد. عدم رونق اقتصاد محلی توأم با ترک روستا و مهاجرت فرستی جوانان در جستجوی شغل و درآمد روستایی است. به طوری که در تحقیق رستمعلی زاده و همکاران (۱۳۹۲) در مناطق روستایی شهرستان اهر، جوانان روستایی عوامل ترک روستای خود را به ترتیب: ۴۷/۵ درصد درآمد کم و نبود شغل مناسب در روستا، ۲۲ درصد نبود امکانات آموزشی و تحصیلی در روستا و قصد ادامه تحصیل در شهر، ۷/۵ درصد به عامل پیروی از خانواده (به خاطر شغل پدر خانواده و ازدواج) و ۲۳ درصد به سایر موارد همچون تضمین آینده فرزندان در شهر، نبود آسایش در روستا، پایین بودن سطح فرهنگ و غیره اشاره نموده‌اند.

در این حوزه دو مقوله مهم قرار داشتند: (۱) رونق کشاورزی و (۲) سرزندگی اقتصادی روستا. رونق کشاورزی یکی از مهم‌ترین عوامل بهزیستی در نظر مردم در روستاهای شهرستان شبستر است. به طوری که در روستای زیناب مردم بر این عقیده بودند که با رونق باغداری و تغییر کشت از محصول عمده پیاز به هلو و محصولات باغی در ده سال اخیر، هم وضعیت اقتصادی مردم بهتر شده است و هم مهاجرت جوانان از روستا به شهر کم شده است و به نوعی باعث رونق اقتصادی در روستا شده است. در همه روستاهای مورد مطالعه، مردم نقش تعیین‌کننده‌ای را برای کشاورزی و اقتصاد مبتنی بر کشاورزی قائل بودند. مردم به طور صریح نمی‌توانستند روستا را بدون فعالیت‌های کشاورزی و دامداری تصور کنند. البته بخشی از دلیل آن نیز، به بالا رفتن درآمد کشاورزی در منطقه در طی سال‌های اخیر بوده است به طوری که در

منطقه روستاهایی که دارای کشاورزی پیشرو و پیشرفته هستند، از درآمدهای بالایی در شهرستان برخوردار هستند.

«جایی روستا است که گاوداری و مرغداری داشته باشد، در این روستا الان ۵ نفر با ۵۰ تا ۶۰ رأس گوسفند مشغول دامداری هستند. تا ۱۰ سال پیش حدود ۶۰ دامدار داشتیم. امروزه جوانان وقتی که می‌بینند گذران زندگی کم است، دیگر تمایلی به کار کشاورزی و دامداری ندارند و روستا را ترک می‌کنند.»

«روستا می‌بایست امکانات روستایی داشته باشد و کشاورزی در آن رونق یابد. وقتی من در روستا زندگی می‌کنم نباید شیر پاکتی و ماست شرکتی بخرم. اگر کشاورزی رونق پیدا کند برای عموم مردم روستا مؤثر است.»

مؤلفه مهم دیگر، سرزندگی اقتصادی روستا است. سرزندگی اقتصادی روستا به عواملی چون وجود فرصت‌های شغلی و اشتغال در روستا، وجود منابع درآمدی و درآمد و به‌وجود کسب‌وکار در روستا بستگی دارد. در این میان، کسب‌وکار و اشتغال برای جوانان، مهمترین عامل در مؤلفه سرزندگی اقتصادی روستا است که می‌تواند نیروهای جوان و فعال را در روستا حفظ نماید. برای سرزندگی و پویایی اقتصادی و به‌طور کلی توسعه رونق اقتصاد محلی، مردم ایجاد کارخانجات و سرمایه‌گذاری در زادگاه و همچنین رونق کشاورزی را عامل مهمی می‌دانند. «باید در روستا کارخانجاتی ایجاد کنند، تا جوانان روستا که در تهران یا در جاهای دیگر کار می‌کنند و یا بیکار هستند، در اینجا مشغول به‌کار شوند. راهی برای درآمد باز شود و کشاورزی رونق پیدا کند.»

«اگر مشکل اشتغال و درآمد حل شود، این روستا مکان مناسبی برای زندگی کردن است. این روستا دانشگاه، درمانگاه و مخابرات و خلاصه همه امکانات را دارد. فقط چون درآمدان کم است جوانان مهاجرت می‌کنند.»

«اگر اینجا رونق اقتصادی پیدا کند، از نظر اجتماعی هم پرشورتر می‌شود. اگر جمعیت روستا زیاد شود کسب و کار هم بهتر می‌شود.»

۶) حوزه سرزندگی جمعیتی / اجتماعی روستا

سرزندگی اجتماعی دارای تعاریف مختلفی در میان مردم بوده و نیاز به فهم زندگی روستایی به‌خصوص زندگی اجتماعی روستایی دارد. در گام اول روستا به علت کوچکی و در

مراحل بعدی به علت برخوردهای چندگانه و همیشگی میان مردم، روابط اجتماعی نزدیک و حتی عمیق عاطفی در میان مردم روستایی برقرار است. کوچه‌ها و به‌خصوص میادین روستایی همانند یک حوزه عمومی است که مردم در ساعات بیکاری به‌خصوص بعدازظهرها و عصرها در آنجا جمع شده و همدیگر را ملاقات می‌کنند و از اوضاع و احوال هم خبردار می‌شوند. در این میان مهاجرت فزاینده اقوام، دوستان و آشنایان از روستا و کم شدن جمعیت روستایی نشاط روستایی و جوش و خروش آن را با سختی مواجه کرده است و همچنین در برخورد با نیروهای قدرتمند هم‌محلی‌های ساکن شهر (از نظر وضع مالی و پرستیژی)، سرزندگی روستایی با مشکل مواجه می‌شود و علاقه به مهاجرت در میان افراد روستایی ایجاد می‌شود. اما در نظر مردم، وجود جمعیت مناسب و ماندگاری و حفظ جوانان می‌تواند سرزندگی اجتماعی را به روستا بیاورد البته در صورتی که وضعیت اقتصادی و اشتغال و کسب و کار برای مردم و جوانان فراهم باشد.

تعریف جمعیت مناسب (زیاد) هم از نظر مردم به این بستگی داشت که این جمعیت، رونق و شور اجتماعی را به روستا برگرداند، به طوری که صنوف خدماتی را که به دلیل کمبود جمعیت بسته شده‌اند دوباره فعال نماید. برخی از امکانات و خدمات روستا (همچون برخی از مدارس) که به دلیل کمبود جمعیت بسته شده‌اند دوباره فعال شده و خرید و فروش که در روستا کم شده است، رونق بگیرد. همه اینها باعث شده که رونق اقتصادی و اشتغال کم بشود و این شرایط باعث مهاجرت جوانان شده است. افزایش جمعیت باعث می‌شود که رونق اقتصادی و شور اجتماعی به روستا برگشته و باعث ماندگاری جوانان و همچنین برگشت جوانان و سرمایه‌گذاری در روستا شود.

«قبلاً امکانات درمانگاه بیشتر بود، حتی دندانپزشک هم داشت و وقتی دکتر دارو تجویز می‌کرد همانجا هم دارو را می‌توانستیم تهیه کنیم. اما الان این امکانات به‌علت اینکه جمعیت کم شده است وجود ندارد».

«از نظر من اگر مهاجرانی که به تهران رفته‌اند در این مناطق، در شبستر و یا در اطراف روستا، سرمایه‌گذاری کنند، به تدریج مهاجرین به این منطقه برمی‌گردند. برای ماندگاری جوانان در روستا باید اشتغال‌زایی و خواسته‌های آنها را برآورده کرد تا به تدریج روستا توسعه یابد».

«با وجود امکانات مطلوب در روستا جمعیت کم است. با توجه به محدود بودن جمعیت، کسب و کار نیز رونق ندارد. اینجا مانند مکان بیلاق-قشلاقی است. در فصل تابستان، ایام عید و ماه محرم تعدادی از مهاجران به روستا برمی گردند و روستا از نظر جمعیتی شلوغ می شود.» بنابراین به طور مشخص می توان عنوان نمود که در روستاهای مورد مطالعه، و در آینده جامعه روستایی منطقه، به دلیل وجود امکانات و خدمات مناسب، آب و هوای خوب، اجتماعات سالم و غیره، تنها شروط اقتصادی و ایجاد شغل، کسب و کار و درآمد، حرف اساسی را در زندگی بهتر روستاهای منطقه در آینده خواهد زد.

بحث و نتیجه گیری

تعریف مردم از بهزیستی روستایی چیزی بود که مردم در خود توان تغییر و دستیابی به آن را با توجه به توانمندی ها و پتانسیل های درونی و بومی خود احساس می کردند؛ و همواره خود به نحوی در آن تغییراتی انجام داده و برای رسیدن به آن تلاش کرده اند. این مردم برای ارتقا و بهبود بهزیستی خود و روستایشان، بنا را بر عاملی بیرونی که وارد شده و مشکلات آنها را حل نماید نگذاشته بودند، آنها انتظار دستی نامرئی، از کسی نداشتند و خود را مسئول بهبود و ارتقای وضعیت زندگانی و محیط زیست خود می دیدند. «در روستای ما دولت یک ریال تا به حال هزینه نکرده است» یا «ما این روستا را توسط همشهریان خود و نه توسط دولت، این گونه آباد کرده ایم».

عدم تعریف نقش دولت در ارتقا و بهبود بهزیستی روستایی منطقه، اغراق آمیز به نظر می رسید ولی به دلیل اینکه هزینه های زیادی در پروژه ها و طرح های مختلف روستا انجام می دادند و بنا را در توسعه روستا و ارتقای بهزیستی خود بر توانمندی های درونی به خصوص نیروی جمعی خود قرار داده بودند، نقش امکانات دولت کم رنگ می نمود اما طرح های بسیار بزرگ را از دولت می خواستند چون جلوگیری از خشک شدن دریاچه ارومیه که تأثیر مستقیمی در کشاورزی و روستاهای کل منطقه دارد.

آنها بهزیستی روستایی را ترکیبی از ابعاد اجتماعی، اقتصادی، امکاناتی و محیطی می دیدند. یعنی روستای خوب محلی بود که دارای اجتماعی سرزنده و سالم، اقتصادی پویا، امکانات و خدماتی مناسب و جوابگوی نیازهای مردم و محیطی دلپسند و جذاب برای زندگی بوده است. این تحقیق نشان داد که عوامل تعیین کننده بهزیستی روستایی شامل شش حوزه سلامتی:

تعاملات انسانی، خدمات زیربنایی، سهولت دسترسی‌ها (به خدمات عمومی و امکان‌های زندگی)، ویژگی‌های طبیعی و محیطی روستا، توسعه/ رونق اقتصاد محلی و سرزندگی اجتماعی/ جمعیتی روستا بوده است.

این یافته‌ها در خصوص عوامل تعیین‌کننده بهزیستی روستایی در برخی تحقیقات نیز نشان داده شده‌اند به طوری که مور و همکاران (۱۹۹۸) نیز اهمیت دسترسی به خدمات عمومی، هماهنگی اجتماع محلی و امنیت درآمد، را در بهزیستی مردم فقیر نشان داده‌اند. همچنین در پژوهش یونگ (۲۰۰۸) سه مقوله خصوصیت اجتماع محلی و زندگی اجتماعی، خدمات محلی و محیط زیست طبیعی که از هفت مقوله اصلی بهزیستی اجتماع محلی وی بوده، در تحقیق ما نیز نشان داده شده است. کاترین کیت (۱۹۹۹) هم در تحقیق خود به نتیجه رسیده بود که ساکنان روستا برای اجتماع محلی خود، قابلیت زیست^۱ اجتماعی، اقتصادی و اکولوژیکی می‌خواستند که با یافته‌های تحقیق ما نزدیک است.

چنانچه تحقیقات پیشین هم نشان دادند، شاید در بسیاری از تعاریف دیگر هم اغلب این موارد تعیین‌کننده بهزیستی روستایی وجود داشته باشد، مواردی چون دسترسی به امکانات و خدمات، اشتغال و درآمد و مواردی از این قبیل در اکثر اجتماعات مورد نیاز است، اما چهار ویژگی «جمعیت مناسب و زیاد»، «کشاورزی پررونق»، «ماندگاری جوانان» و «روابط گرم و سالم در اجتماع» از بارزترین ویژگی‌های روستای خوب در منطقه بود.

از میان این چهار ویژگی، جمعیت زیاد و مناسب و ماندگاری جوانان، عاملانی جمعیت‌شناختی هستند. واقعیت این است که مهاجرت در منطقه، یکی از قوی‌ترین نیروهای تغییر در روستاهای منطقه است. با اینکه مهاجران در بهزیستی روستا نقش دارند و بخش مهمی از بهزیستی روستاهای منطقه توسط مهاجران به پیش برده می‌شود، اما مردم روستا ندارند که جریان قوی مهاجرت، که البته در منطقه تاریخی هم است، به خالی نمودن روستاها و یا تبدیل روستاها به خانه‌های میان‌سالان و سالمندان بینجامد.

یافته‌های ما به طور صریح نشان می‌دهد که در آینده روستایی منطقه، تنها عاملی که می‌تواند باعث افزایش یا حداقل ثبات جمعیتی در روستاهای منطقه شود و ماندگاری جوانان را تثبیت

1. Viability

نماید، ویژگی‌های اقتصادی و فراهم نمودن کسب و کار، افزایش اشتغال و درآمد و رونق کشاورزی است. چیزی که تجربه روستای دریان به خوبی آن را نشان داده است. روستای دریان که به‌طور مرتب از سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۵ از جمعیت آن کاسته می‌شد به طوری که از ۲۶۰۹ نفر در سال ۱۳۴۵ به ۱۲۴۶ نفر در سال ۱۳۷۵ رسیده بود، از آغازین سال‌های دهه ۸۰ شمسی و با فعالیت‌های کم‌نظیر انجمن‌های زادگاهی^۱ دریانی‌های تهران، مهاجران و مردم محلی و با ایجاد کسب‌وکار، اشتغال، احداث کارخانجات متعدد، رونق کشاورزی و افزایش درآمد در روستا، جمعیت این روستا به‌نحو بارزی افزایش پیدا کرده است به طوری که از ۱۲۴۶ نفر در سال ۷۵ به ۲۲۳۱ نفر در سال ۸۵ و به ۳۹۶۸ نفر در سال ۹۰ رسیده است (جدول شماره ۳).

جدول ۳. تحولات جمعیتی روستای دریان (۱۳۴۵-۱۳۹۰)

سال	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰
جمعیت	۲۶۰۹	۱۹۹۳	۱۶۹۰	۱۲۴۶	۲۲۳۱	۳۹۶۸
متوسط رشد سالانه جمعیت	-۲/۶۵	-۱/۶۳	-۳/۰	۵/۹۹	۱۲/۲	

منبع: اطلاعات سرشماری نفوس و مسکن دوره‌های مختلف

این اقدامات هم در دل خود «کشاورزی پررونق»، هم «ماندگاری جوانان» و هم «افزایش جمعیت» را به دنبال داشته است.

اما چنانچه گفتیم «روابط گرم و سالم در اجتماع» نیز از ویژگی‌های بارز روستای خوب در منطقه بوده است. روستاهای منطقه با داشتن «اجتماعات گسترده»^۲ و سرمایه اجتماعی شناور در آنها، شبکه‌های اجتماعی چندگانه در میان مردم، بدون داشتن روابط گرم و سالم، مطمئناً نمی‌توانست کارا و پایا باشد و بالاخره در طی سالیان دچار فرسایش می‌شد. ولی تجربه تاریخی منطقه نشان می‌دهد که این بعد همواره با سلامت و گرمی خاصی وجود دارد و یکی از پایه‌های اصلی شکل‌گیری «اجتماعات گسترده» در روستاهای منطقه شده است.

1. Hometown Associations

۲. تعریف اجتماعات گسترده و نقش آن در توسعه منطقه در مقاله «مهاجرت، اجتماعات گسترده و بهبودی روستایی در شهرستان شبستر» در فصلنامه توسعه روستایی، دوره ۵، شماره ۲، صص ۴۸-۲۳ (۱۳۹۲)، به تفصیل آمده است.

همچنین زندگی خوب در میان روستاییان منطقه به معنای برخورداری از امکانات زندگی، شغل، درآمد و دارایی مناسب که همراه با آرامش و عزت نفس و امنیت از شرایط زندگی و آینده و امنیت در پیری است. همچنین این زندگی برخوردار از روابط مناسب در درون خانواده و صمیمیت در خانواده و بودن فرزندان در کنار خانواده است و در نهایت اینکه خدمات و امکانات در محیط زندگی در دسترس بوده و روابط گرم و مناسب در اجتماع برقرار باشد و اجتماع امکان‌هایی را برای زندگی بهتر به افراد همچون شغل و مسکن ارائه نماید.

در نهایت یافته‌های ما نشان می‌دهند که برای رسیدن به پایداری روستایی در ایران باید بهزیستی روستایی را ارتقا و بهبود داد و مهم‌تر از آن برای درک اینکه بهزیستی روستایی چیست و اینکه چه ابعادی از آن را باید مورد توجه قرار داد، لازم است که برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران به خواسته‌های مردمی رجوع کنند و برنامه‌ریزی از بالا به پایین و همراه با مردم را سرلوحه کار خود قرار دهند.

منابع

- ادیب حاج باقری، محسن و همکاران (۱۳۸۶)، *روش‌های تحقیق کیفی*، تهران: بشری، چاپ اول.
- ازکیا، مصطفی و علی ایمانی (۱۳۸۷)، *توسعه پایدار روستایی*، تهران: اطلاعات، چاپ اول.
- استراوس، انسلم و جولیت کربین (۱۳۹۱)، *مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نی، چاپ دوم.
- رستمعلی زاده، ولی‌اله و مسعود سلیمانی (۱۳۹۰)، *زندگی مطلوب روستایی با تأکید بر بهزیستی اجتماع روستایی، توسعه روستایی*، دوره ۳، شماره ۲: ۱۸۶-۱۶۵.
- رستمعلی زاده، ولی‌اله، علی قاسمی اردهائی و نیر رستمی (۱۳۹۲)، *عوامل مؤثر بر ماندگاری جوانان روستایی؛ مطالعه موردی: شهرستان اهر، پژوهش‌های روستایی*، دوره ۴، شماره ۳: ۵۳۴-۵۰۵.
- غفاری، غلامرضا و رضا امیدی (۱۳۸۸)، *کیفیت زندگی شاخص توسعه اجتماعی*، تهران: شیرازه، چاپ اول.
- فلیک، اووه (۱۳۸۷)، *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی، چاپ اول.
- گریفین، کیث و تری مک‌کنلی (۱۳۷۷)، *توسعه انسانی دیدگاه و راهبرد*، ترجمه غلامرضا خواجه پور، تهران: وداد، چاپ اول.
- نارایان، دیپا، رابرت چمبرز، میراک شاه و پتی پتیش (۱۳۹۰)، *صدای فقرا، فریاد برای تغییر*، ترجمه مصطفی ازکیا و جمال رحمتی پور، تهران: کیهان، چاپ اول.
- Britton, E. and S. Coulthard (2013), Assessing the Social wellbeing of Northern Ireland's Fishing Society Using a Three-Dimensional Approach, *Journal of Marine Policy*, 37: 28-36.
- Camfield, L. (2006), *The Why and How of Understanding 'Subjective Wellbeing: Exploratory Work by the WeD Group in Four Developing Countries.* WeD Working Paper 26, <http://www.welldev.org.uk/research/workingpaperpdf/wed26.pdf>.
- Catherine Keith, D. (1999), *Rural Residents' Perspectives Regarding Community Change, Challenges, and Well-Being: A Socio-Ecological*

Case Study, A Thesis Submitted to the Faculty of Graduate Studies and Research of the University of Alberta in Candidacy for the Degree of Doctor of Philosophy, Department of Renewable Resources.

- Coulthard, S., D. Johnson, and A. McGregor (2011), Poverty, Sustainability and Human Wellbeing: A Social Wellbeing Approach to the Global Fisheries Crisis, *Journal of Global Environmental Change*, 21: 453–463.
- Courvisanos, J. and J. Martin (2005), *Developing Policy for Australia's Small Towns: From Anthropology to Sustainability*, Conference on the 2nd Future of Australia's Country Towns, Bendigo.
- Gasper, D. (2007), *Conceptualising Human Needs and Wellbeing*, in I. Gough & J. A. McGregor (Eds.), *Wellbeing in Developing Countries: From Theory to Research*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Human Development Report (2011), *Sustainability and Equity: A Better Future for All*, Published for the United Nations Development Programme (UNDP).
- McGregor, J.A. (2007), *Researching wellbeing: From Concepts to Methodology*, in I. Gough & J. A. McGregor (Eds.), *Wellbeing in Developing Countries: From Theory to Research*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Moore, M., M.Choudhary And N. Singh (1998). *How can we know what they want? Understanding local perceptions of poverty and ill-being in Asia*. IDS Working Paper No. 80, Institute of Development Studies, University of Sussex, Brighton.
- Ramsey, D. and B. Smit (2002), Rural Community Well-being: Models and Application to Changes in the Tobacco-Belt in Ontario, *Canada, Geoforum*, 33: 367–384.
- Tiwari, M. (2009), Poverty and Wellbeing at the 'Grassroots' How Much is Visible to Researchers?, *Soc Indic Res*, 90:127–140.
- Van Engel, J. (2010). *Changing Our Society's Paradigm from Economic Wealth to Wellbeing: Formal Analysis and An Utopian Model*, M.A. Thesis in Liberal Studies, Empire State College State University of New York.
- Young, Melissa, A. (2008), *Exploring Community Well-being and Sustainability at a Local Scale: Finding the Differences of Focus Between Local Residents, Local Officials, and Experts*, A Thesis Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the Master of Science Degree State University of New York College of Environmental Science and Forestry.